

به دنبال سنج‌های برای تبیین مشروعیت در نظام حقوق بین‌الملل

(مقاله علمی-پژوهشی)

دکتر رضا اسلامی*

مهشید آجلی لاهیجی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹

چکیده

«مشروعیت»، از جمله مفاهیم مهم، اما پیچیده در نظام حقوق بین‌الملل است. پیچیدگی این مفهوم نیاز به یافتن معیار مشخصی برای ارزیابی مشروعیت در حقوق بین‌الملل را مطرح می‌کند. از این رو، در پاسخ به این سؤال که در حقوق بین‌الملل با چه سنج‌های می‌توان به تبیین مشروعیت پرداخت، سه الگوی کلی طراحی شده است. در ابتدا مشروعیت به معنای مقبولیت نزد مردم و نهادهای قاعده‌ساز در حقوق بین‌الملل بحث شده است و در عین حال، به این مسئله توجه می‌شود که می‌توان شبهاتی را در خصوص کارآمدی الگوهای اخیر طرح کرد. از این رو، در نهایت، ترسیم الگویی مبتنی بر ارزش‌های جامعه بین‌المللی برای سنجش مشروعیت که نتیجه‌محوری را در رأس معرفت خود قرار دهد، از ضروریات ارزیابی مشروعیت در بستر نظم حقوقی موجود در نظر گرفته می‌شود. از این رو، فرضیه این پژوهش بر تعبیر مشروعیت به تطابق با ارزش‌های جامعه بین‌المللی، به‌مثابه مناسب‌ترین الگو برای ارزیابی مشروعیت قرار دارد.

کلید واژگان:

مشروعیت، نظام حقوق بین‌الملل، مقبولیت، قانونی‌بودن، ارزش‌ها

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

someal@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

mahshid_ajeli@yahoo.com

مقدمه

بدیهی است که حقوق بین الملل، اصالتاً نظامی مبتنی بر امید و اعتماد است، اما برای اینکه به واقع شایسته عنوان نظام حقوقی باشد، محتاج چارچوب‌های متقنی است که استواری آن را تضمین کند و تاب ایستادگی در برابر ناسازگاری اعضا را داشته باشد.^۱

از جمله مفاهیمی که می‌تواند چنین کارکردی برای یک نظام حقوقی داشته باشد، مفهوم «مشروعیت»^۲ است. مشروعیت که غالباً مفید معنای «مقبولیت»^۳ در نظام‌های حقوقی است، می‌تواند معیاری برای سنجش وضعیت اعمال و نهادها در بستر نظام حقوق بین الملل قلمداد شود؛ اما مسئله اینجا است که مفهوم مشروعیت در حقوق بین الملل، هنوز معنا و مفهوم مشخصی ندارد و تبیین آن به‌غایت دشوار و نیازمند واکاوی دقیق است.^۴ همچنین، به‌واسطه تبیین سازوکارهای ارزیابی مشروعیت در نظام حقوق بین الملل، به ورطه عملیاتی گرایش یابد.

به‌طور کلی، اصطلاح مشروعیت، برای توجیه قدرت به کار می‌رود و به معنای تصاحب بر حق قدرت برای اخذ تصمیمات الزامی یا وضع قواعد است.^۵ مشروعیت، بحث بسیار پیچیده‌ای درباره این سطح از اقتدار^۶ است که می‌توان آن را بر مبنای منبع قدرت^۷، فرایند^۸ تصمیم‌گیری یا میزان عادلانه‌بودن نتیجه حاصل از تصمیم‌گیری، ارزیابی کرد. بر همین اساس، می‌توان طرح الگوهای متفاوت را برای درک وضعیت مشروعیت در حقوق بین الملل، در دستور کار قرار داد.

کار پژوهشی حاضر، در پاسخ به این سؤال که بر چه مبنایی می‌توان به ارزیابی مشروعیت در حقوق بین الملل پرداخت، مترصد جست‌وجوی الگوهایی برای تبیین مسئله مشروعیت در حقوق بین الملل است. در این راستا، بررسی مشروعیت، در قالب سه الگوی نظام‌مند، مورد توجه قرار می‌گیرد: الگوی اول، سنجش مشروعیت بر مبنای مقبولیت مردمی خواهد بود؛ چراکه مشروعیت

1. Brunnée, Jutta, Stephen J. Toope, *Legitimacy and Legality in International Law: An Interactional Account*, Cambridge: Cambridge University Press, 2010, p. 5

2. Legitimacy

3. Acceptability

4. Pellet, A., "Legitimacy of Legislative and Executive Actions of International Institutions", in: Rüdiger Wolfrum, Volker Roben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008, p. 66

5. Wolfrum, R., "Legitimacy in International Law from a Legal Perspective: Some Introductory Considerations", in: *Legitimacy in International Law*, in: Rüdiger Wolfrum, Volker Röben (eds.), Springer: Berlin, 2008, p. 6.

6. Authority

7. Source of Power

8. Procedure

را می‌توان بر مبنای مقبولیت در میان مردم سنجید. یکی از نمودارهای وجود چنین مقبولیتی، امکان ترسیم الگوی دموکراتیک در حقوق بین‌الملل است؛ یعنی اگر بتوان به وجود دموکراسی مستقیم قائل بود، مقبولیت نهادهای بین‌المللی بین افراد انسانی، معیار مقبولی برای ارزیابی مشروعیت است؛ در غیر این صورت، وجود این مقبولیت اثبات‌شدنی نیست تا معیاری برای مشروعیت باشد. الگوی دوم، رضایت^۱ نهادهای قاعده‌ساز^۲ است که معیار مشروعیت قرار می‌گیرد؛ زیرا مشروعیت به معنای مقبولیت نزد آن‌هایی است که موضوع قواعد هستند و واضح و موضوع در حقوق بین‌الملل یکی است. الگوی سوم، سنجش مشروعیت بر اساس ارزش‌های جامعه جهانی است؛ زیرا بنیان‌های مشروعیت حقوق بین‌الملل بر ارزش‌های این جامعه استوار است.

۱. الگوی اول: سنجش مشروعیت بر مبنای مقبولیت مردمی

امروزه، حقوق بین‌الملل، تنها حقوق دولت‌ها نیست؛ بلکه بر افراد انسانی و برخی نهادهای دیگر در جامعه جهانی اثرگذار است و برای آن‌ها حقوق و مسئولیت‌هایی ایجاد می‌کند.^۳ حقوق در کلیت آن باید به دست افراد انسانی عملیاتی شود؛ از این رو، قواعدی که نامشروع تلقی شود، طرد می‌شود یا به گونه‌ای خلاف معنای واقعی آن، به کار می‌رود.^۴ از این رو، مشروعیت، کیفیتی برخاسته از قواعد و قوانین رسمی نیست، بلکه پذیرش یا قابلیت پذیرش یک امر نزد تابعان آن است.^۵ با پذیرش این اعتقاد که منبع و منشأ قدرت در حقوق را مردم معرفی می‌کنند، می‌توان در قالب یک الگوی ترسیم‌شدنی برای تبیین مشروعیت، میزان مقبولیت نهادهای بین‌المللی در میان مردم را معادل میزان مشروعیت آنان در نظر گرفت. بنابراین، در این معنا، مشروعیت یعنی سازگاری با باور مردم.^۶ دموکراسی به منزله نموداری برای تأیید وجود چنین مقبولیتی، تصورشدنی است؛ یعنی اگر مشروعیت نهادهای بین‌المللی وابسته به مقبولیت افراد است، این مقبولیت را باید بتوان در ساختار دموکراتیک ترسیم کرد.

1. Consent

2. Rule - making Institution

3. Higgins, R., "The UN at 70 Years: The Impact Upon International Law", *ICLQ*, vol. 65, 2016, p. 3.

4. Tomuschat, C., "Effectiveness and Legitimacy in International Law", *ZaöRV*, Vol. 77, 2017, p. 313.

۵. نوذری، حسینعلی، *بازخوانی هابرماس*، تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۸۱، ص ۵۴۱.

۶. قاضی، ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸، ص. ۷۰.

۱.۱. سیر تطور اندیشه‌ها در تبیین مشروعیت به مثابه مقبولیت نزد مردم

در دوره‌ای از حیات حقوق بین‌الملل، مفهوم حاکمیت ملی، سنگ بنای نظم حقوقی به حساب می‌آمد و مرزهای پیرامونی آن‌ها، خط قرمز مداخله حقوق بین‌الملل در امور تحت صلاحیت دولت‌ها در نظر گرفته می‌شد.^۱ به تدریج، طی سال‌های اخیر، تجربه بحران‌های جهانی مانند تروریسم که از داخل مرزهای کشورهایی چون افغانستان نشئت می‌گرفت یا دیوارهای بلند حاکمیت‌ها که به پناهگاهی برای ناقضان حقوق بشر و بین‌الملل تبدیل شد،^۲ مانند آنچه در کره شمالی اتفاق می‌افتد، حقوق بین‌الملل را از امیدها برای رسیدن به اتوپیایی مبتنی بر حمایت از حاکمیت‌های ملی، به‌غایت دور کرد.

در این خصوص، به‌ویژه حقوق بشری، دامنه مشروع حاکمیت داخلی دولت‌ها را کاسته و بر مسئولیت آنان در برابر دولت‌های دیگر افزوده است؛ همچنین، افراد بشر را از چنان شخصیت حقوقی‌ای بهره‌مند ساخته^۳ که بتوانند رو در روی دولت‌ها قرار گیرند.^۴ سازوکار پذیرفته‌شده در دادگاه اروپایی حقوق بشر یا کمیته حقوق بشر از این حیث شایان توجه است. بنابراین، مشاهده می‌شود که امروزه حقوق بین‌الملل علی‌رغم اولویت اراده دولت‌ها، صرفاً محصول آن نیست^۵ و «به‌مثابه سیستم یک جامعه انسانی، دولت‌ها را محیط در دایره این نظام ساخته است، نه محاط بر آن»^۶.

در چنین فضایی، سؤال این است که آیا حقوق بین‌الملل مهبای دموکراسی مستقیم به‌جای دموکراسی غیرمستقیم نیست؟ نظر بر اینکه مستمراً بر اهمیت افراد انسانی در جامعه جهانی افزوده شده است، امروزه برخی از مشروعیت قواعد حقوق بین‌الملل در قالب مقبولیت آن نزد مردم سخن می‌گویند. بر اساس نظریه دموکراسی مستقیم در حقوق بین‌الملل، قواعد حقوق

1. Zhang, N., "The Principle of Non-interference and its Application in Practices of Contemporary International Law", *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, Vol. 9, 2016, pp. 449-464.

2. Brooks, R. E., "Failed States, or the State as Failure?", *The University of Chicago Law Review*, Vol. 72, No. 4, 2005, pp. 1159 – 1196.

3. Vicuna, F. O., "Individuals and Non-State Entities before International Courts and Tribunals", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, No. 5, 2001, p. 64.

4. Clunan, A., "Redefining Sovereignty: Humanitarianism's Challenge to Sovereign Immunity", in: Noha, Shawki, & Michaelene, Cox (eds), *Negotiating Sovereignty and Human Rights; Actors and Issues in Contemporary Human Rights Politics*, Ashgate Publishing Limited, 2009, p. 9.

۵. در حال حاضر، دولت‌ها ناچار به پذیرش برخی تعهدات برای برخورداری از عضویت شایسته در جامعه جهانی می‌شوند.

۶. زمانی، سیدقاسم، «فرآیند انسانی شدن حقوق بین‌الملل و چالش‌های فراروی آن»، مجموعه مقالات هفته پژوهش (گردآورنده: شجاع احمدوند)، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳.

بین‌الملل با وجود ضعف در الگوهای اجرایی،^۱ عملیاتی می‌شوند؛ چراکه در جامعه، مقبولیت دارد^۲ و این مبنای مشروعیت حقوق بین‌الملل است.^۳

این دیدگاه، به‌ویژه نظر به تعهداتی مانند حقوق بشر یا حقوق محیط‌زیست که دولت‌ها چندان مشتاق به بر عهده گرفتن آن‌ها نیستند، بلکه بنا بر فعالیت‌های جوامع مدنی در داخل یا فشارهای بین‌المللی، ناگزیر به پذیرش آن‌ها می‌شوند، تبدیل به مناطی برای تفکر بیشتر در خصوص مبنای مشروعیت در حقوق بین‌الملل می‌شود.

نکته دیگری که بر قدرت نظریه‌شناسایی مشروعیت در قالب مقبولیت نزد مردم، می‌افزاید، نزدیکی آن به مفهومی از مشروعیت است که در نظام‌های حقوق داخلی، اندیشمندان آن را قبول دارند؛ از جمله در نظریه هابرماس^۴ در زمینه مشروعیت آمده است که امر مشروع باید منطبق بر حقوق مردم و عدالت و انصاف باشد.^۵

بر اساس این استدلال‌ها، مشروعیت به‌منزله عنصری که تأمین آن نیازمند مقبولیت نزد افکار عمومی است، از جمله مهم‌ترین نظریات درباره مشروعیت تلقی می‌شود. از این رو، برای استفاده از آن به‌منزله الگویی برای سنجش مشروعیت در حقوق بین‌الملل، نیاز به بررسی مفهومی است که ذیل آن بتوان مشارکت مردمی در حقوق بین‌الملل را مشاهده کرد.^۶

۱.۲. امکان سنجی ارزیابی مشروعیت در سیاق ترسیم ساختار دموکراتیک در حقوق بین‌الملل

در نظم حقوقی بین‌المللی، وضعیت واضح و تابع نامشخص است و در هر دو سو، تنوع دیده می‌شود؛^۷ از یک دولت و سازمان قدرتمند گرفته تا افراد و بازیگران غیردولتی.^۸ این مسئله برخی

1. Tomuschat, C., "Effectiveness and Legitimacy in International Law", *ZaöRV*, Vol. 77, 2017, 310.

2. Kumm, M., "The Legitimacy of International Law: A Constitutionalist Framework of Analysis", *The European Journal of International Law*, Vol. 15, No.5, 2004, p. 907.

3. Franck, T., *The power of legitimacy among nations*, New York: Oxford University Press, 1990, p. 25.

4. Habermas

۵. موسوی، سیدرضا، «عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابرماس»، *مجله اطلاعات سیاسی*

اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲.

۶. جهت ملاحظه نظر مخالف، بنگرید به:

Stein E., "International Integration and Democracy: No Love at First Sight", *Am. J. Int'l L.*, Vol. 95, 2001

7. Kiss, Amarilla, "The Legitimacy of the International Court of Justice: The World of International Judges with special reference to Latin America", *Revista Política Hoje*, Vol. 25, No. 2, 2016, p. 58

8. Stein, *op cit*, p. 492

را بر آن داشته تا از خواست و تمایل دولت‌ها به‌مثابه تنها معیار قانونمندی و سنجش مشروعیت حقوق بشر، دست بکشند.^۱

بر این اساس، برخی پیشنهاد یک دموکراسی جهانی^۲ را داده‌اند تا قواعد حقوق بین‌الملل، مشروعیتی همگانی یابد. به‌زعم آنان، ایجاد ساختاری غیردموکراتیک به‌دست دولت‌ها نمی‌تواند جای حضور افراد در فرایندهای حقوقی بین‌المللی را بگیرد.^۳ برای مثال، وضعیت هائیتی، این فقیرترین کشور نیمکره غربی، نه ناشی از جنگ و نه تجاوز، بلکه بیش از هر چیز یک بحران ناشی از شکست سیاسی و حاکمیتی است^۴ که سال‌ها دیکتاتوری در قالب اقتصاد فروپاشیده، فساد و خشونت از خود بر جای گذاشته است.

دموکراسی در حقوق بین‌الملل اصولاً در قالب حقوق سیاسی بشر و حق بر تعیین سرنوشت،^۵ بر نقش‌آفرینی افراد انسانی در پس دولت‌ها تأکید دارد. در عین حال، این ایده در فلسفه حقوق بین‌الملل دارای قدمت و جایگاه قابل تأملی است؛ چنان‌که می‌توان آن را در افکار فلاسفه‌ای چون کانت^۶ و رالز^۷ ردیابی کرد.

کانت در قالب نظریه صلح پایدار^۸ معتقد است که دولت‌ها باید به‌صورت جمهوری اداره شوند و مبانی سیاست در کشورها بر قانون استوار باشد. در این حالت، صلحی مبتنی بر دموکراسی در جهان حاکم می‌شود.^۹ از منظر رالز، همه دولت‌ها استحقاق عضویت کامل در جامعه جهانی را

۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، مقدمه بر: بوکنن، آلن، «مشروعیت حقوق بین‌الملل»، ترجمه مریم حاجی‌عرب، مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (به اهتمام سیدقاسم زمانی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۳۸۶.

2. Global democracy

3. Kuyper, J., "Global democratization and international regime complexity", *European Journal of International Relations*, Vol 20, Issue 3, 2014, pp. 763-797

4. Faubert, Carol, Evaluation of UNDP Assistance to Conflict-affected Countries, UNDP, 2006, pp. 8 - 9

5. Right to Self-determination

6. Kant

7. Rawls

8. Perpetual Peace

۹. معینی علمداری، جهانگیر، «کانت‌گرایی، فرا کانت‌گرایی و نظم جهانی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۷، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲.

ندارند و صرفاً دموکراسی‌های مبتنی بر قانون اساسی^۱ می‌توانند از مزایای چنین جایگاهی بهره‌مند شوند.^۲

به این واسطه، دموکراسی، حکایتگر لزوم مشارکت افراد انسانی برای رسیدن به اهداف حقوق بین‌الملل است و بستری برای اعمال چنین مشارکتی مهیا می‌کند. در واقع، در قالب لیبرال دموکراسی‌های مبتنی بر قانون اساسی، دولت صرفاً به‌منزله چارچوب نهادینه‌ای است که افراد انسانی از طریق آن خود را اداره و امورشان را تدبیر می‌کنند^۳ و قواعد حقوق بین‌الملل در واقع، «حق مردم برای حکمرانی بر خود»^۴ را ارتقا داده است.^۵

این الگو به نظریه‌پردازی‌های بکر علمایی چون سوارز^۶ و گروسیوس^۷ در برهه‌های ابتدایی تکوین حقوق بین‌الملل نزدیکی زیادی دارد. در قالب چنین نظریه‌هایی حقوق بین‌الملل از آن مردم است؛^۸ از این رو، رصد مشروعیت در بطن اراده مردم، هرچند ادعایی بدیع به نظر می‌رسد، پشتوانه نظری درخور توجهی دارد. همچنین، توسعه روزافزون نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی، خواست عمومی مردم را همواره بیشتر در معرض نمایش قرار داده است^۹ و جامعه بین‌المللی را بیشتر جامعه‌ای دموکراتیک معرفی می‌کند. برای مثال، تلاش‌های جامعه مدنی به‌ویژه در کشورهای اروپایی در راستای لزوم مقابله با تغییرات اقلیمی و بیان موضوع به‌مثابه مطالبه‌ای از دولت‌ها مصداق روشنی برای این امر است.

بنابراین، مقبولیت مردمی از قوی‌ترین نظریات در تبیین مشروعیت است و دموکراسی هم می‌تواند شایسته‌ترین نمودار وجود چنین مشروعیتی در جوامع باشد. با این حال، نباید از این واقعیت غافل شد که هرچند رسیدن به جامعه دموکراتیک و بهره بردن از مشروعیت ناشی از آن همواره از اهداف حقوق بین‌الملل بوده، تحقق کامل آن هنوز میسر نشده است.

1. Constitutional democratic societies

2. Rawls, J., *The law of peoples*, New York: Harvard University Press, 2000, p. 5

3. Kumm, *op cit*, p. 910

4. The right of a people to govern itself

5. *ibid*, p. 910

6. Suárez

7. Grotius

۸. داعی، علی، «جایگاه فرد در حقوق بین‌الملل»، *مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳، صص. ۲۱۰ - ۲۱۲.

۹. اسلامی، رضا و کتابون بشکار دانا، «حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۷، ۱۳۹۲، ص ۵۵.

در واقع، تلاش در ارائه مدل دموکراسی مستقیم برای جستجوی مبانی مشروعیت در خواست و اراده مردم، هرچند آورده‌های درخور توجهی به همراه دارد،^۱ در عین حال، با چالش‌های ساختاری در حقوق بین‌الملل روبه‌رو است؛ به‌ویژه آنکه از منظر قابلیت اعتراض^۲ و مخالفت مستقیم افراد انسانی به نهادها یا قواعد حقوق بین‌الملل یا امکان پاسخ‌گویی^۳ آنان، در حال حاضر، نمی‌توان سازوکار مسجلی را در قالب این نظام حقوقی شناسایی کرد؛ هرچند برخی تلاش کرده‌اند این مضامین را در قالب فعالیت جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی^۴ توجیه کنند، اما در واقعیت امر، این نهادها با اینکه برآمده از مردم هستند، عنصر پاسخ‌گویی در خصوص هیچ‌یک، در قالب هنجاری مشخص، صادق نیست.^۵ این موضوع، به هیچ عنوان به معنای رد الگوی مشروعیت به‌مثابه مقبولیت مردمی نیست؛ صرفاً به این معنا است که به دلیل نقص ساختار دموکراتیک در حقوق بین‌الملل، این نظام حقوقی، از مشروعیت ناشی از وجود یک جامعه کاملاً دموکراتیک بی‌بهره می‌ماند. تا حدی که حقوق بین‌الملل بتواند این فقدان را رفع کند، از مزایای این الگوی مشروعیت برخوردار می‌شود. با وجود این، بررسی سایر الگوهایی که اندیشه مشروعیت حقوق بین‌الملل، وام‌دار آنها است، ناگزیر می‌نماید.

۲. الگوی دوم: سنجش مشروعیت بر مبنای رضایت نهادهای قاعده‌ساز

در حقوق داخلی، تشخیص و تفکیک میان قانونی‌بودن^۶ و مشروعیت، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. ظاهراً می‌توان گفت در حقوق داخلی، واضع قانون، دولت و منبع مشروعیت، مردم‌اند و مشروعیت از جمله معیارهای لازم برای اجرایی‌شدن قواعد دانسته می‌شود.^۷ در واقع، قانونی‌بودن در یک نظام حقوقی به این معنا است که یک مفهوم، اولاً، پروسه تبدیل‌شدن به قانون در جامعه را طی کرده و ثانیاً، واضح آن، نهادی قانونمند است. بر این اساس،

۱. از جمله اینکه نارسایی‌های محور قرار دادن دولت‌ها در حقوق بین‌الملل را مرتفع می‌کند و ناتوانی جامعه جهانی در تبدیل همه دولت‌های تصمیم‌گیرنده به دول دموکراتیک را در نهایت به مشروعیت نداشتن حقوق بین‌الملل تعبیر نمی‌کند.

2. Contestability

3. Accountability

4. Non – governmental Organization

5. Anderson, K., "Accountability as Legitimacy: Global Governance, Global Civil Society and the United Nations", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 36, 2011, p. 890

6. Legality

۷. قاضی، منبع پیشین، ص. ۷۰.

می‌توان برای امری قائل به وجود منشأ قانونی شد. این در حالی است که مشروعیت، به میزان پذیرش قوانین یا نهادها در جامعه بستگی دارد. این فرمول را می‌توان در نظام حقوق بین‌الملل نیز اعمال کرد.^۱ و^۲

اما با در نظر گرفتن ساختارهای کلاسیک حقوق بین‌الملل، می‌توان اقتدار تصمیم‌گیری در فضای حقوق بین‌الملل را از آن دولت‌ها شناخت و در قالب الگویی سازگار با واقعیات این نظام حقوقی، مشروعیت را به معنای رضایت نهادهای قاعده‌ساز در حقوق بین‌الملل شناسایی کرد؛ زیرا برخی بر این نظر هستند که منبع غایی مشروعیت در حقوق بین‌الملل، رضایت دولت‌ها است.^۳ در این معنا، هرآنچه قانونی است، مشروع هم هست؛ چون توانسته است رضایت نهادهای قاعده‌ساز را طی گذر از فرایند صحیح تعیین‌شده برای تبدیل شدن به امری قانونمند تحصیل کند. با وجود این، اتخاذ تصمیماتی در حقوق بین‌الملل، در طول سال‌های حیات این سیستم حقوقی که دور از انصاف و عدالت پنداشته شده یا با چالش‌هایی جدی در امر پذیرش، مواجه بوده است، خواه‌ناخواه، به درک تفاوت انکارناپذیر میان دو مفهوم قانونی بودن و مشروعیت می‌انجامد.

۲.۱. امکان سنجی ارزیابی مشروعیت به مثابه قانونی بودن در حقوق بین‌الملل

بنا بر ساختارهای کلاسیک حقوق بین‌الملل، برخی استدلال می‌کنند که مشروعیت و قانونی بودن در حقوق بین‌الملل کاملاً بر هم منطبق است؛ زیرا واضع و تابع قاعده در حقوق بین‌الملل یکی است؛ در واقع، این دولت‌ها هستند که جدی‌ترین نقش را در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل دارند و خود آن‌ها اجراکننده این قواعد هستند. از سویی، در خصوص مشروعیت هم این عقیده وجود دارد که باید این مفهوم را معادل میزان پذیرش یک قاعده یا نهاد حقوقی در نظر

1. Falk, R. and others, *Legality and Legitimacy in Global Affairs*, New York: Oxford University Press, 2012, p. 439

۲. مشروعیت، به حق موجه بر حکمرانی نیز تعبیر شده است و در این خصوص به مسئله مشروعیت نهادهای قاعده‌ساز در نظام حقوقی ارجاع داده می‌شود.

بوکنن، آلن، «مشروعیت حقوق بین‌الملل»، ترجمه مریم حاجی‌عرب، *مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و*

حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۳۸۸.

3. Abi-Saab, G., "The Security Council as Legislator and as Executive in its Fight Against Terrorism and Against Proliferation of Weapons of Mass Destruction: The Question of Legitimacy", in: Rüdiger Wolfrum, Volker Roben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008, p. 111

کسانی دانست که موضوع و مخاطب این قواعد هستند.^۱ از آنجا که در حال حاضر، صرفاً دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، تابع حقوق بین‌الملل شناسایی می‌شوند، رضایشان در چارچوب این نظام حقوقی، مشروعیت‌بخش هم به حساب می‌آید.^۲

به عبارت دیگر، باور سنتی در حقوق بین‌الملل عمومی، بر این است که مشروعیت در لوای رضایت دولت تعریف می‌شود؛ چراکه علی‌الاصول، معاهدات در نتیجه اتحاد اراده‌ها برای تبدیل ارزش‌ها به قواعد شکل می‌گیرد. همچنین، حقوق عرفی بین‌المللی هم با اتکا به اراده دولت‌ها و در نتیجه رفتار یا عملکرد آگاهانه آنان به صورتی تدریجی ایجاد می‌شود.^۳

همچنین، اقتدار می‌تواند مشروعیت پیدا کند؛ اگر تصمیمات، طی فرایندهایی که درست و منصفانه انگاشته می‌شود، اتخاذ شود.^۴ قواعد مرتبط با تأسیس نهاد بین‌المللی از این قبیل است؛ تصمیم‌گیری در چنین نهادی هرچند به نام و اعتبار سازمان‌های بین‌المللی و در مواردی بدون اخذ رضایت دولت خاصی در موضوع معین صورت می‌گیرد، برای مشروعیت بخشیدن به آن از وجود توافق پیشینی دولت‌ها در خصوص فرایند تصمیم‌گیری درون این‌گونه سازمان‌ها^۵ و نیز از تئوری اختیارات ضمنی^۶ برای توجیه حصول رضایت استفاده می‌شود.^۷

بنابراین، اگر مشروعیت به معنای رضایت آنان که موضوع حق و تکلیف در نظام حقوقی هستند، دانسته شود، آنگاه رضایت دولت و سازمان بین‌المللی برای اعطای مشروعیت در حقوق بین‌الملل لازم است. این امر، دقیقاً همان فرایندی است که جهت قانونی شدن در نظام حقوق بین‌الملل تعیین شده است. پس، به‌گونه‌ای هم‌زمان، هرآنچه در حقوق بین‌الملل به مقام قاعده نائل شود، مشروعیت را هم در بطن خود گنجانده است.

1. Wheatley, S., *the Democratic Legitimacy of International Law*, UK: Hart Publishing, 2010, p. 331.

2. Martinez, L., "The Legislative Role of the Security Council in its Fight against Terrorism: Legal, Political and Practical Limits", *Int'l & Comp. L.Q.*, Vol. 57, 2008, p. 339

3. *ibid*, p. 354

4. Wirth, D. A., "Reexamining Decision-Making Processes in International Environmental Law", *Iowa Law Review*, Vol. 79, 1994, p. 798.

5. Martinez, *op cit*, p. 354

6. Implied powers

۷. بر اساس تئوری مزبور، هر سازمان بین‌المللی علاوه بر اختیارات مصرح تعیین‌شده در سند مؤسس، اختیاراتی دارد که برای اجرای وظایف یا تحقق اهداف او ضروری است (زمانی، سیدقاسم، **حقوق سازمان‌های بین‌المللی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸، ص. ۵۵).

نظریه مشروعیت به مثابه قانونی بودن، از حیث استدلالی بنیان‌های محکمی دارد. گزاره‌های تشکیل‌دهنده این استدلال عبارت‌اند از اینکه اولاً، مشروعیت به معنای مقبولیت نزد مخاطبان قاعده است و ثانیاً، مخاطب قاعده در حقوق بین‌الملل اصولاً دولت است؛ چون حقوق بین‌الملل، اساساً حقوق دولت‌ها است. پس، برای مشروعیت در حقوق بین‌الملل رضایت دولت‌ها لازم است. در بحث مشروعیت در حوزه حقوق بین‌الملل، این نظریه یکی از ایده‌هایی است که می‌توان از آن به بهترین شکل دفاع کرد.

۲.۲. بحث انتقادی در خصوص این‌همانی مشروعیت و قانونی بودن با تأکید بر فاصله حقوق آرمانی^۱ و حقوق نهاده شده^۲

شکی نیست که بخش اعظمی از هنجارهای حقوق بین‌الملل، محصول توافق دولت‌های حاکم است.^۳ مسئله این است که رضایت دولت‌هایی مانند هائیتی، افغانستان یا سیرالئون که شایستگی عضویت آن‌ها در جامعه جهانی زیر سؤال است، چگونه می‌تواند مشروعیت بخش باشد. علاوه بر این، اگر رضایت دولت لازمه مشروعیت قواعد دانسته شود، بخشی از آنچه در حال حاضر به مثابه قواعد موضوعه حقوق بین‌الملل وجود دارد، نامشروع خواهد بود.

در این برهه زمانی، به وضوح، دامنه منابع حقوق بین‌الملل از مفهوم سنتی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری فراتر رفته است و از مفاهیمی مانند «حقوق قوام نیافته»^۴ بحث می‌شود. علی‌رغم اینکه وجود این قواعد، بنا بر مقتضیات جامعه جهانی لازم است، به جهت روبه‌رو شدن با سد مخالفت برخی دولت‌ها، توان بالارفتن از دیوار سخت حاکمیت‌ها را برای تحمیل بر آن‌ها به منزله قواعدی الزام‌آور نیافته است.^۵ بنابراین، شاید بتوان به وجود شکافی عمیق میان حقوق موجود و حقوق آرمانی، معتقد بود.^۶ بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد

1. Lex Ferenda

2. Lex Lata

۳. نژندی‌منش، هیبت‌الله و دیگران، «حاکمیت دولت‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ تأثیر یا تأثر؟»، *مجله حقوق بشر*، جلد ۷، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص. ۳۸.

4. Soft Law

۵. فلسفی، هدایت‌الله و شاهرخ شاکریان، «شناخت حقوق نرم در سیستم حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۱۷، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۵ - ۱۶۸.

۶. به تعبیر قاضی ویرامنتاری، ساختار حقوق بین‌الملل مملو از نابرابری است، اما حقوق بین‌الملل ماهوی به‌طور برابر بر همه آن‌ها اعمال می‌شود. این امر حقوقی را به دنبال دارد که متضمن انشقاق و دوگانگی است. ←

قانونی بودن و مشروعیت در حقوق بین الملل کاملاً بر هم منطبق و متمرکز در دولت‌ها نیست. هرچند مفهوم حاکمیت تا حدی در حال رنگ باختن است، بر اساس آنچه اثبات‌گرایی حقوقی اعلام می‌دارد، قواعد این نظام حقوقی همان موضوعاتی است که رضایت دولت‌ها را به همراه دارد.^۱ بنابراین، با توجه به این مسائل در کنار نابرابری عینی میان این واضعان و هم‌زمان تابعان حقوق بین الملل، می‌توان درک کرد که مجموعه عظیمی از بحث‌های بی‌سرانجام در این فضا در جهت تبدیل ارزش‌ها به قواعد شکل می‌گیرد. از این رو، موضوعاتی مانند «حق بر توسعه» که بر ارزش‌های مشروع جامعه جهانی پهلو می‌زند، به واسطه ناتوانی در همراه کردن شکل‌گرایی حقوقی با خود، در قالب حقوق نرم به رخ جامعه بین‌المللی کشیده می‌شود.

همچنین، در قالب یکی دیگر از منابع حقوق بین الملل، می‌توان به ایجاد عرف بین‌المللی توجه کرد. در این خصوص، موضوع کشورهای که در زمان ایجاد قاعده وجود نداشته‌اند، اما در حال حاضر، قواعد مزبور بر آن‌ها تحمیل می‌شود،^۲ از جمله موضوعات تأمل‌برانگیز در حوزه مشروعیت در حقوق بین الملل به شمار می‌آید.

علاوه بر این، از منظر مصداقی هم موضوعاتی در حقوق بین الملل وجود دارد که با وجود برخورداری از وصف قانونی بودن، از اتصاف به مشروعیت بی‌بهره انگاشته می‌شود. تشکیل دیوان‌های کیفری موردی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، از آن جمله است که هرچند با مجوز شورای امنیت تأسیس شد، ذیل عناوین مختلفی، از حیث مشروعیت به چالش کشیده می‌شود.^۳ دیوان کیفری بین‌المللی اساساً در پاسخ به چنین دغدغه‌هایی شکل گرفت و حتی جهت ارتقای مشروعیت دادگاه، در اساسنامه آن جایگاه درخور توجهی برای حقوق بشر در نظر گرفته شده است.

با توجه به این نارسایی‌ها، باید نیاز به وجود ارزش‌هایی متعالی را برای تکوین و تکمیل این شبه‌سیستم که از آن صدای آنتیگن در برابر واقعیت ضجه‌های بشری به گوش می‌رسد، ضروری تلقی کرد؛ به خصوص اگر موضوعات چالش‌برانگیزی مانند استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تحت

←(Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, p. 304)

1. Teson, F., *A Philosophy of International Law*, USA: Westview press, 1998, p. 91

2. Shaw, M. N., *International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008, p. 91

3. Lombardi, G., "Legitimacy and Expanding Power of the ICTY", *New Eng. L. Rev.*, Vol. 37, 2003, p. 887

بررسی قرار گیرد که برخی معتقدند خارج از سیستم محض حقوقی و در نتیجه وجود رابطه قدرت در عرصه بین الملل به وجود آمده است؛^۱ چراکه وقتی اغلب حقوق دانان نظر روشن تری درباره مشروعیت استفاده از سلاح های هسته ای داشته اند. دیوان بین المللی دادگستری در یکی از بحث برانگیزترین نظرات خود بیان می کند که نمی تواند صراحتاً نظر به غیر قانونی بودن استفاده از این سلاح ها در شرایط دفاع مشروع که بقای دولتی در خطر است، بدهد؛ زیرا قواعد موجود چنین منعی را در خود نگنجانده است.^۲ این مصادیق می توانند مثالی برای نبود تضاد مشروعیت و قانونی بودن باشد.

۲.۳. الگوی نهایی: سنجش مشروعیت بر مبنای ارزش های جامعه جهانی

درست است که حقوق بین الملل حقوق دولت ها و مخلوق خود آن ها است، اما به هر حال، دولت ها هم این نظام حقوقی را بر اساس اصول و ارزش هایی به وجود آورده اند. محوریت دولت در حقوق بین الملل به معنای نفی ارزش ها نیست. اتفاقاً اگر دولت ها این اصول و ارزش های بنیادین را نفی کنند، در واقع موجودیت خود را انکار می کنند. به میزانی که آن ها در اقداماتشان از این اصول و ارزش ها فاصله می گیرند، با چالش هایی از جنس مشروعیت مواجه می شوند و اگر حقوق بین الملل به این فاصله بی اعتنا باشد، خود با معضل مشروعیت روبه رو خواهد شد؛ چون به هر روی، شکی نیست که حقوق بین الملل هر چند به وسیله دولت ها، اما برای مقید کردن آن ها و روابطشان شکل گرفته است.

دولت های دل زده از بلای جنگ، ناامنی و آناشسیسم، در جهانی متکثر، حقوق بین الملل را بر پایه یک «خیر مشترک»^۳ به وجود آوردند که می توانست به غلبه همانندی بر تفاوت بینجامد.^۴ «خیر مشترک، سنگ بنای جامعه بین المللی ارزش ها است. از همین طریق است که فرد ... حدود

۱. فلسفی، هدایت الله، «نابرابری دولت ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح های هسته ای: تصورات و واقعیات»، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، صص. ۵ - ۴۰.

2. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 8 July 1996, p. 44, para. 105(2) E.

3. Common Good

۴. فلسفی، هدایت الله، *صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت*، تهران: نشر فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰، ص. ۳۷.

خود را درمی‌یابد، با دیگران به تفاهم می‌رسد و ... در منافع گروه سهیم می‌شود و در نتیجه، به قواعدی گردن می‌نهد که برای تحقق آن ارزش‌ها وضع می‌شوند.^۱

پس، حقوق بین‌الملل بر اساس خیر مشترک به وجود آمد. خیر مشترک بنیان همه ارزش‌ها است. بنابراین، حقوق بین‌الملل بر اساس مبانی خود، نظام حقوقی ارزش‌محور است. فارغ از اینکه چه کسی به قضاوت مشروعیت بنشیند، مشروعیت مفهومی آمیخته با ارزش‌ها است.

در این میان، به نظر می‌رسد نگرش اعضای جامعه جهانی به مسئله مشروعیت، بر اساس ارزش‌های مشترک جامعه جهانی،^۲ به سوی نوعی هم‌گرایی در حرکت است.

۲.۴. ارتباط مشروعیت با عدالت، صلح و بشریت به مثابه ارزش‌های جامعه جهانی

در حال حاضر، از مبانی حقوق بین‌الملل تا تابعان آن، اصول و مفاهیم جدیدی با توجه به ارزش‌های این نظام حقوقی به وجود آمده است. همچنین، حرکتی به سمت حقوق بین‌الملل انسان‌محور با تثبیت مفاهیمی مانند بشریت، عدالت و صلح، در جامعه جهانی آغاز شده است^۳ که از تکوین حقوق بین‌المللی برای بشریت یا حقوق ملل نوین^۴ حکایت دارد^۵ که حقوق بشر مبانی نظم هنجاری آن را تشکیل می‌دهد؛^۶ چراکه در واقع، حقوق بین‌الملل باید به اقتضای اصول خود، پاسخ‌گوی نیازها و آرمان‌های بشریت باشد.^۷

شکل‌گیری مفهوم مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل از این نوع تحولات است. در زمان مباران یوگسلاوی به دست ناتو در ۱۹۹۹ شکی وجود نداشت که اقدام ناتو از وصف قانونی بودن بی‌بهره است؛ زیرا مجوز شورای امنیت را دریافت نکرده بود و در چارچوب دفاع مشروع نمی‌گنجید. در آن زمان، حقوق‌دانان اعلام می‌کردند که عرفی که توسل به زور را علیه دولتی برای جلوگیری از کشتار مردم خود اجازه بدهد، وجود ندارد؛ اما در عین حال، پذیرش گسترده

۱. فلسفی، هدایت‌الله، *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل*، تهران: نشر فرهنگ، نشر نو، ۱۳۹۶، ص. ۳۸۶.

2. International Community Values

۳. حسینی آزاد، سیدعلی و دیگران، *حاکمیت، عدالت و توسعه در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر*، تهران: انتشارات استاد شهریار، ۱۳۹۸، صص. ۳۰۵ - ۳۴۱.

4. New Jus Gentium

5. Trindade, António A. Cançado, *International Law for Humankind: Towards a New Jus Gentium*: The Hague Academy of International Law, Martinus Nijhoff, 2010, p. 9.

6. Ibid. p. 28

۷. فلسفی، منبع پیشین، صص. ۴۲۸ - ۴۲۹.

اقدام ناتو از سوی سایر دولت‌ها را نشانگر ظهور چنین قاعده‌ای ارزیابی می‌کردند.^۱ در واقع، مشروعیت ناشی از تطابق با ارزش‌های جهانی می‌تواند محملی را برای ظهور قواعد جدید فراهم کند.

امروزه، در حقوق بین‌الملل می‌توان ادعا کرد که مشروعیت، عنصری فراقانونی به شمار می‌آید و هر آنچه قانون است، لزوماً و به‌صرف داشتن تأیید و رضایت دولت، مشروع نیست و هر آنچه مشروع است، ضرورتاً در شکل و شمایل قانون سخت^۲ و نهاده‌شده خود را نشان نمی‌دهد. بر همین اساس، باید پذیرفت که حتی در حقوق بین‌الملل، منشأ و منبع قدرت مردم هستند.^۳

در قضیه سیرالئون در ۱۹۹۷، بروز خشونت ناشی از کودتای نظامی منجر به تشخیص تهدید علیه صلح از سوی شورای امنیت شد. در خصوص ساحل عاج در ۲۰۱۱، در قضیه‌ای که در آن رئیس حکومت از انتقال دموکراتیک حکومت سر باز زد، در قالب احراز وضعیت تهدید علیه صلح، شورای امنیت، خشونت اعمال شده علیه مردم را جنایت علیه بشریت تشخیص می‌دهد؛ در حالی که در گامبیا در وضعیتی مشابه ساحل عاج، شورای امنیت در قطعنامه ۲۳۳۷ خود در ۲۰۱۷، عمدتاً برای جلب نظر روسیه از به‌کارگیری عباراتی که اجازه مداخله نظامی بدهد، اجتناب می‌کند. این در حالی است که استفاده جامع اقتصادی دولت‌های غرب آفریقا از نیروی نظامی به رهبری سنگال علیه رئیس دولت سابق برای کناره‌گیری، از سوی جامعه جهانی نامشروع اعلام نشد.^۴ بنابراین، لزوماً مشروعیت، وام‌دار قانونی بودن نیست و هر قاعده‌ای که صرفاً برخاسته از میل و مطالبه دولت‌ها باشد، نمی‌تواند مقبولیتی را که لازمه استدراک مشروعیت است، دارا باشد. برای مثال، در بحث استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دیوان اعلام می‌کند که هنوز قاعده سختی در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد،^۵ اما به‌وضوح مشخص است که این تصمیم، با درجه‌ای از چالش در بحث پذیرش مواجه است. با وجود این، دیوان، چند سال بعد، حتی عقب‌نشینی بیشتری از خود نشان داده و «به صورتی ناروا دستیابی به عدالت را دشوار کرده است؛ آن هم در موضوعی که به بشریت در کل مربوط است. این مسئله

1. Schwabach, Aaron, "The Legality of the NATO Bombing Operation in the Federal Republic of Yugoslavia", *Pace Int'l L. Rev.*, Vol. 11, 1999, p. 418

2. Hard Law

3. Besson, S., "Sovereignty, International Law and Democracy", *The European Journal of International Law*, Vol. 22, No. 2, 2011, p. 373.

4. Kreß, Claus and Nußberger, Benjamin, "Pro-democratic intervention in current international law: the case of The Gambia in January 2017", *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 4, no. 2, 2017, pp. 251-252.

5. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 8 July 1996, p. 44, para. 105(2) E

بسیار تأسف‌آور است.^۱ برخی تلاش می‌کنند توجیهاتی برای چندوچون صدور آن مطرح کنند، اما در واقع، چالش اصلی در این میان، دقیقاً فاصله‌ای است که میان دو مفهوم مشروعیت و قانونی‌بودن، وجود دارد. قاعده، احتمالاً (البته با تسامح) همان بود که دیوان در نظر خود بیان کرد، اما تصور مشروع جامعه جهانی در این خصوص، مفهوم متفاوتی بوده است. به نظر می‌رسد این مفهوم متفاوت را بتوان در قالب آرمان‌های مبتنی بر ارزش جامعه جهانی نقش‌بندی کرد. «آرمان، با قاعده آرمانی سروکار دارد. این قاعده ... در ذات خود نیرویی محرکه دارد که با آن قاعده موضوعه را تغذیه می‌کند و بدین ترتیب ... زمینه‌های انقلاب را در حقوق بین‌الملل پدید می‌آورد.»^۲ این انقلاب‌های آرمانی را می‌توان در نمونه‌های متعدد دیگری هم دید. فاصله میان دو مفهوم قانونی‌بودن و مشروعیت بود که استقلال کوزوو را غیرقانونی، اما مشروع^۳ تعریف می‌کرد^۴ یا کمیسیون حقوق بشر^۵ را علی‌رغم کارکرد قانون‌مدار، با نهاد دیگری^۶ که مشروعیت بیشتری داشته باشد، جایگزین کرد^۷ یا تحریم‌های قاعده‌مند بین‌المللی علیه هائیتی را به واسطه تشدید فقر مردم نامشروع جلوه می‌داد.

در واقع، جامعه جهانی انتظارات مشروع خود را در شمایل قواعد آرمانی مبتنی بر ارزش‌ها ظاهر می‌سازد. حقوق بشر از جمله قواعد حقوق بین‌الملل است که راهی از آرمان تا واقعیت پیمود و در این مسیر می‌بایست پذیرش دولت‌ها را دریافت می‌کرد. با توجه به ابتدای حقوق بشر بر ارزش‌های بشری و نیاز حقوق بین‌الملل به کسب مشروعیت، گاه از مفهوم حقوق نرم در این راستا استفاده شده است.

آرمان‌گرایی با تأکید بر حقوق بشر، توانسته ریشه‌های حقوق طبیعی را در فضای حقوق موضوعه بین‌الملل تقویت کند و از این رو، حقوق بشر از جمله تجلیات بارز ارزش‌های جامعه

1. ICJ, Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. India), Dissenting opinion of Judge Cançado Trindade 5 October 2016, para. 32.

۲. فلسفی، منبع پیشین، ص. ۲۵۲.

3. ICJ, Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo, Advisory Opinion, 22 July 2010, para. 122

4. Bodansky, D., "The Concept of Legitimacy in International Law", in: Rüdiger Wolfrum and Volker Roben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008, p. 311

5. Human Rights Commission

6. Human Rights Council

7. Freedman, R., "New Mechanisms of the UN Human Rights Council", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 29/3, 2011, p. 289.

جهانی و تلاشی برای تحصیل مشروعیت در حقوق بین‌الملل است.^۱ به تعبیر فرانک، سیستمی که به دنبال اعتبار بخشیدن به خود است، باید در خصوص برابری، انصاف، عدالت و آزادی در قالب احکامش، دفاع‌پذیر باشد.^۲

همچنین، فعالیت‌های نهادهای بین‌المللی ذیل منشور ملل متحد و نیز در قالب سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت حمایت از حقوق بشر نمونه‌ عینیت‌یافتن آرمان‌ها و کسب مشروعیت حقوق بین‌الملل است.^۳ تلاش برای تحقق حق تعیین سرنوشت و دموکراسی از طریق برگزاری انتخابات، توسعه و تضمین حق‌های بشری درخور توجه است. عملیات ملل متحد در ساحل عاج برای استقرار دموکراسی در آستانه وقوع جنگ داخلی، متعاقب قطعنامه ۱۵۲۸ شورای امنیت که بعد از سیزده سال در ۲۰۱۷ خاتمه یافت، از نمونه‌های بارز این اقدامات است.^۴ نمونه‌های موفق دیگری از تأثیر کمک‌های بین‌المللی در بازسازی حاکمیت در تاجیکستان و لبنان نیز شایان ذکر است.^۵ با وجود این، گاه حتی مشروعیت خود این سازمان‌های بین‌المللی به واسطه ضعف ارتباط با مردم مورد تشکیک قرار گرفته است.^۶ جالب است که به‌مثابه راهکار رهایی از چنین چالشی، نظریه‌پردازان به اهداف مشروع سازمان متوسل شده‌اند؛ به این معنا که قابلیت و توان ملل متحد در برقراری و حفظ صلح، معیاری برای اقتدار و در نهایت، مشروعیت آن در نظر گرفته می‌شود؛^۷ و این یعنی سنجش مشروعیت، بر مبنای ارزش‌های جامعه جهانی.

۲.۵. امکان‌سنجی خلق معیار نوین برای ارزیابی مشروعیت بر مبنای «ارزش محوری»
به‌طور کلی، امروزه می‌توان شکل‌گیری جریان نحیف، اما متهورانه‌ای را در نظریه‌پردازی از سوی برخی حقوق‌دانان بین‌المللی ردیابی کرد که برای حفظ بقای نظام حقوق بین‌الملل، ضمن

۱. ایالات متحده در موارد متعدد از جمله قضیه مداخله در پاناما در ۱۹۸۹، اقدام خود در توسل به زور را بر مبنای دفاع مشروع توجیه کرد.

2. Franck, T., *The Power of Legitimacy among Nations*, op.cit., p. 18.

3. Tomuschat, Christian, *Human Rights: Between Idealism and Realism*, New York, Oxford University Press, 2003, p. 199

4. Novosseloff, Alexandra, *The Many Lives of a Peacekeeping Mission: The UN Operation in Côte d'Ivoire*, International Peace Institute, June 2018, pp. 24-25

5. Silva, Mario, *State Legitimacy and Failure in International Law*, Brill Nijhof, 2014, p. 208

6. Coicaud, Jean-Marc and Veijo Heiskanen, *The legitimacy of international organizations*, New York: United Nations University Press, 2001, p. 2

7. Coicaud, Jean-Marc, "International democratic culture and its sources of legitimacy: The case of collective security and peacekeeping operations in the 1990s", in: Jean-Marc Coicaud and Veijo Heiskanen (eds), *The legitimacy of international organizations*, United Nations University Press, 2001, p. 263.

تبری جستن از نتایج نامشروع برخی اقدامات یا نهادهای بین‌المللی، در ابعاد مختلف دست به دامان مفهومی با عنوان «ارزش‌های جامعه بین‌المللی» شده‌اند. برای مثال، برخی، قانون اساسی‌گرایی^۱ در حقوق بین‌الملل را راهکاری برای رهایی از معضلاتی پنداشته‌اند که موجودیت آن را به چالش می‌کشد؛ در این راستا، به ارزش‌هایی چون صلح و بشریت متوسل شده‌اند و می‌کوشند این ارزش‌ها را بر مبنای فلسفه حقوق طبیعی^۲ و فلسفه جنبش عصر روشن‌فکری^۳ و^۴ توجیه کنند.^۵ در این معنا، موضوعاتی مثل «مردمان یا بشریت، معیار سنجش برای ارزیابی مفاهیم دیگر هستند»^۶

برخی دیگر تلاش کرده‌اند این ارزش‌ها را در قالب قاعده آمره^۷ عرضه کنند و از شناسایی هر ساختار معارض با آن سر باز زنند. قاضی ترینداد در قضیه مصونیت دولت صراحتاً اعلام می‌کند که نقض فاحش حقوق بشر به منزله نقض قاعده آمره است و مسئولیت دولت را در پی دارد. او ضمن بیان اعتراض خود به این رأی می‌گوید که به هر حال، این تلاش جاودانه برای عدالت، پایانی نخواهد داشت.^۸

در مواردی هم به حل چالش‌های حقوق بین‌الملل از طریق لزوم تأکید بر اصول حقوق بین‌الملل^۹ به مثابه پتانسیلی در حقوق بین‌الملل برای انسانی کردن آن تصریح شده است. در قضیه کارخانه خمیر کاغذ، قاضی ترینداد ضمن انتقاد از دیوان برای استفاده از چنین فرصت‌هایی، می‌گوید: «دادگاه لاهه فقط یک دیوان حقوقی نیست، بلکه دیوان بین‌المللی دادگستری (عدالت) است و نمی‌تواند از چنین اصولی غفلت ورزد.»^{۱۰}

1. Constitutionalism
2. Natural Law Philosophy
3. Philosophy of the Age of Enlightenment

۴. جنبش فکری قرن هجدهم در اروپا که خصوصیت اصلی آن اتکا به عقل و منطق به جای سنت و احکام دینی و ... بود.

5. Kleinlein, T., "Constitutionalization in international law", *Beiträge zum ausländischen öffentlichen Recht und Völkerrecht*, No. 231, 2012, pp. 703 - 704

۶. فلسفی، منبع پیشین، ص. ۲۴۱.

7. Jus cogens

8. ICJ, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy), Dissenting opinion of Judge Cançado Trindade, 3 February 2012, paras. 227-229

9. Principles of International Law

10. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Separate opinion of Judge Cançado Trindade, 20 April 2010, para. 18.

به‌طور خاص در خصوص مشروعیت هم بر اصول حقوق بین‌الملل تأکید شده است: «مشروعیت، وصفی از قاعده یا نهاد قاعده‌ساز است که کشش و جاذبه‌ای به سمت پایبندی^۱ در مخاطبان هنجاری آن ایجاد می‌کند؛ زیرا مخاطبان باور دارند که آن قاعده یا نهاد، مطابق با اصول کلی پذیرفته‌شده به وجود آمده و عمل می‌کند.»^۲ پس، این ارجاع به ارزش‌های پذیرفته‌شده است که به تصمیمات مشروعیت می‌بخشد.^۳

به این واسطه، به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل در حال پاسخ‌گویی به مطالبات مشروع بشریت، به‌منزله‌ غایت اصلی خود، در شمایل قواعد آرمانی، قواعد آمره و اصول پذیرفته‌شده است. حقوق‌دانان، از چنین مفاهیمی به‌مثابه تبلوری از ارزش‌های جامعه جهانی استفاده می‌کنند تا از پتانسیل‌های موجود در حقوق بین‌الملل برای حل بحران مشروعیت آن بهره ببرند. بنابراین، در فضای متأثر از تحولات اخیر، مشروعیت را نمی‌توان سنجید؛ مگر بر مبنای ارزش‌های جامعه جهانی.

در واقع، این جامعه جهانی که بر اساس خیر مشترک شکل گرفته است، قطعاً با تکیه بر ستون ارزش‌های خود تاکنون استوار ایستاده و نکته اینجاست که برای بقا، محتاج مشروعیت است. نهادها در این حوزه برای تحصیل مشروعیت، باید خود را در تطابق با ارزش‌های این نظام حقوقی قرار دهند. فضایی که یک بار در دوره حیات اخیر خود، دولت‌محوری را در همه ابعاد، در بوتۀ آزمایش قرار داده و حاصلی جز طرح چالش‌های جدی در خصوص مشروعیت، حتی خصوص کلیت نظام حقوق بین‌الملل برایش نداشته، اکنون زمان آن رسیده که برای تبلور مشروعیت در چارچوب‌های متعین خود، به ارزش‌های این جامعه جهانی متوسل شود. این نوع نگاه، چه بسیار به اندیشه‌های آرمانی نخستین برای شکل‌گیری این نظام حقوقی نزدیک‌تر است.

1. Compliance

2. Franck, T., *The power of legitimacy among nations*, New York: Oxford University Press, 1990, p. 24.

3. Kleinlein, *op. cit.*, pp. 705 - 706

نتیجه گیری

استنتاج یک معنای واحد از مجموع نظریاتی که در خصوص مشروعیت، آن هم در چارچوب نظام چندپارچه^۱ حقوق بین الملل مطرح شده است، لزوم جستن راه میانه‌ای بین رضایت دولت در سویی و تصمیم‌گیری دموکراتیک در سوی دیگر، با تأکید بر معیارهایی از قبیل شفافیت^۲، مشارکت^۳ و بی‌طرفی^۴ را به نمایش می‌گذارد.^۵

در بررسی سه الگوی مطرح‌شده، تفاوت الگوی آخر در تغییر زاویه دید به دو الگوی پیشین است. دو الگوی قبل، از معروف‌ترین اندیشه‌ها در زمینه مشروعیت هستند؛ بنابراین، می‌توان از مبانی آن‌ها دفاع کرد و سهم بسزایی در تبیین مشروعیت در حقوق بین الملل دارند. اما در فضای فعلی حقوق بین الملل هیچ‌یک کاملاً مجری نیست. مدل متکی بر واقعیت دولت‌محوری حقوق بین الملل ایده‌ای واقع‌گرایانه است. حقوق بین الملل همچنان دولت‌ها را در مقام قدرتمندترین بازیگران خود دارد. همچنان رضایت دولت‌ها مبنای خلق قواعد و قانونی‌بودن است و این قانونی‌بودن، سطحی از مشروعیت را فراهم می‌کند؛ اما در عین حال، تمام آن نیست.

همچنین، محوریت دولت‌ها در حقوق بین الملل، با تغییرات صورت‌گرفته در فضای جهانی، دیگر انحصاری نیست؛ افراد نفوذ کرده‌اند. بنابراین، سطحی از مشروعیت هم از طریق مشارکت مردمی در جامعه جهانی تأمین می‌شود. هرچند مدل دموکراسی مستقیم برای اخذ مستقیم مشروعیت از مردم در حقوق بین الملل تا حد زیادی برای حقوق بین الملل موجود، آرمان‌گرایانه محسوب می‌شود.

با پذیرش همه این مفاهیم، الگوی سوم، از لزوم بازگشت به ارزش‌ها برای مشروعیت بحث می‌کند. در واقع، با گذر از سؤال «چه کسی منشأ مشروعیت است» به «چه چیزی منشأ مشروعیت است»، روی می‌آورد و روشن می‌کند که مشروعیت به معنای یک قضاوت ارزشی است. به میزان احترامی که به ارزش‌های یک جامعه گذارده شود، مشروعیت آفریده می‌شود.

1. Fragmented

2. Determinacy (Transparency)

3. Participation

4. Impartiality

5. Bodansky, D. "Legitimacy in International Law and International Relations." In: Jeffrey Dunoff and Mark Pollack (eds), *Interdisciplinary Perspective on International Law and International Relations: The State of the Art*, Cambridge University Press, 2012, p. 3

به همین منظور، در حقوق بین‌الملل امروز که مسئله انسانی‌شدن^۱ آن را در مسیر تبدیل شدن به حقوق ملل نوین قرار داده است، ارزیابی مشروعیت بر اساس میزان تطابق با ارزش‌های جامعه جهانی، هم مفید معنای مشروعیت در قالب میزان مقبولیت است و هم با تحولات روز حقوق بین‌الملل همپا و همراه است. حقوق بین‌الملل برای تحصیل مشروعیت، رو به سوی مسیر ارزشمندی دارد که نظریه‌پردازی برای هدایت شایسته این نظام قابل تکریم حقوقی، در آن مسیر، رسالت اندیشمندان حقوق بین‌الملل امروز است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتابها

۱. حسینی آزاد، سیدعلی، مهشید آجلی لاهیجی و مجید زحمتکش، **حاکمیت، عدالت و توسعه در چارچوب حقوق بین الملل بشر**، تهران: انتشارات استاد شهريار، ۱۳۹۸.
۲. زمانی، سیدقاسم، **حقوق سازمان های بین المللی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
۳. فلسفی، هدایت الله، **سیر عقل در منظومه حقوق بین الملل**، تهران: نشر فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.
۴. فلسفی، هدایت الله، **صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت**، تهران: نشر فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰.
۵. قاضی، ابوالفضل، **بایسته های حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
۶. نوذری، حسینعلی، **بازخوانی هابرماس**، تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۸۱.

مقالات

۷. اسلامی، رضا و کتابیون بشکار دانا، «**حق بر دموکراسی در حقوق بین الملل معاصر**»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۷، ۱۳۹۲.
۸. بوکنن، آلن، «**مشروعیت حقوق بین الملل**»، ترجمه مریم حاجی عرب، مجموعه مقالات جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱ (به اهتمام سید قاسم زمانی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
۹. داعی، علی، «**جایگاه فرد در حقوق بین الملل**»، مجموعه مقالات جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
۱۰. زمانی، سیدقاسم، «**فرآیند انسانی شدن حقوق بین الملل و چالش های فراروی آن**»، مجموعه مقالات هفته پژوهش (گردآورنده: شجاع احمدوند)، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.

۱۱. فلسفی، هدایت‌الله و شاهرخ شاکریان، «شناخت حقوق نرم در سیستم حقوق بین الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱۷، تابستان ۱۳۹۱.
۱۲. فلسفی، هدایت‌الله، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیات»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴.
۱۳. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، مقدمه بر: بوکنن، آلن، «مشروعیت حقوق بین‌الملل»، ترجمه مریم حاجی‌عرب، مجموعه مقالات جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱ (به اهتمام سیدقاسم زمانی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
۱۴. معینی علمداری، جهانگیر، «کانت‌گرایی، فرا کانت‌گرایی و نظم جهانی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، ۱۳۸۱.
۱۵. موسوی، سیدرضا، «عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابرماس»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۷۷.
۱۶. نژندی‌منش، هیبت‌الله، سیدعلی حسینی آزاد و مسعود احسن‌نژاد، «حاکمیت دولت‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ تأثیر یا تأثر؟»، مجله حقوق بشر، جلد ۷، شماره ۲، ۱۳۹۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

17. Brunnée, Jutta, Stephen J. Toope, *Legitimacy and Legality in International Law: An Interactional Account*, Cambridge: Cambridge University Press, 2010
18. Coicaud, Jean-Marc and Veijo Heiskanen, *The legitimacy of international organizations*, New York: United Nations University Press, 2001
19. Falk, Richard, Mark Juergensmeyer, and Vesselin Popovski, *Legality and Legitimacy in Global Affairs*, New York: Oxford University Press, 2012
20. Franck, T., *The power of legitimacy among nations*, New York: Oxford University Press, 1990.
21. Rawls, J., *The law of peoples*, New York: Harvard University Press, 2000

22. Shaw, M. N., *International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008
23. Silva, Mario, *State Legitimacy and Failure in International Law*, Brill Nijhof, 2014
24. Tomuschat, Christian, *Human Rights: Between Idealism and Realism*, New York, Oxford University Press, 2003
25. Teson, F., *A Philosophy of International Law*, USA: Westview press, 1998
26. Wheatley, S., *the Democratic Legitimacy of International Law*, UK: Hart Publishing, 2010

Articles

27. Abi-Saab, G., “The Security Council as Legislator and as Executive in its Fight Against Terrorism and Against Proliferation of Weapons of Mass Destruction: The Question of Legitimacy”, in: Rüdiger Wolfrum, Volker Roben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008.
28. Anderson, K., “Accountability as Legitimacy: Global Governance, Global Civil Society and the United Nations”, *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 36, 2011.
29. Besson, S., “Sovereignty, International Law and Democracy”, *The European Journal of International Law*, Vol. 22, No. 2, 2011
30. Bodansky, D. “Legitimacy in International Law and International Relations.” In: Jeffrey Dunoff and Mark Pollack (eds), *Interdisciplinary Perspective on International Law and International Relations: The State of the Art*, Cambridge University Press, 2012.
31. Bodansky, D., “The Concept of Legitimacy in International Law”, in: Rüdiger Wolfrum and Volker Roben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008
32. Brooks, R. E., “Failed States, or the State as Failure?”, *The University of Chicago Law Review*, Vol. 72, No. 4, 2005
33. Clunan, A., “Redefining Sovereignty: Humanitarianism’s Challenge to Sovereign Immunity”, in: Noha, Shawki, & Michaelene, Cox (eds), *Negotiating Sovereignty and Human Rights; Actors and Issues in Contemporary Human Rights Politics*, Ashgate Publishing Limited, 2009
34. Coicaud, Jean-Marc, “International democratic culture and its sources of legitimacy: The case of collective security and peacekeeping operations in the 1990s”, in: Jean-Marc Coicaud and Veijo Heiskanen (eds), *The*

- legitimacy of international organizations*, United Nations University Press, 2001
35. Faubert, Carol, Evaluation of UNDP Assistance to Conflict-affected Countries, UNDP, 2006
36. Freedman, R., “New Mechanisms of the UN Human Rights Council”, *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 29/3, 2011
37. Higgins, R., “The UN at 70 Years: The Impact Upon International Law”, *ICLQ*, vol. 65, 2016
38. Kiss, Amarilla, “The Legitimacy of the International Court of Justice: The World of International Judges with special reference to Latin America”, *Revista Política Hoje*, Vol. 25, No. 2, 2016
39. Kleinlein, T., “Constitutionalization in international law”, *Beiträge zum ausländischen öffentlichen Recht und Völkerrecht*, No. 231, 2012
40. Kreß, Claus and Nußberger, Benjamin, “Pro-democratic intervention in current international law: the case of The Gambia in January 2017”, *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 4, no. 2, 2017
41. Kumm, M., “The Legitimacy of International Law: A Constitutionalist Framework of Analysis”, *The European Journal of International Law*, Vol. 15, No.5, 2004.
42. Kuyper, J., “Global democratization and international regime complexity”, *European Journal of International Relations*, Vol 20, Issue 3, 2014
43. Lombardi, G., “Legitimacy and Expanding Power of the ICTY”, *New Eng. L. Rev.*, Vol. 37, 2003
44. Martinez, L., “The Legislative Role of the Security Council in its Fight against Terrorism”, *Int'l & Comp. L.Q.*, Vol. 57, 2008
45. Nackers, K., “Framing the Responsibility to Protect”, *Global Resp. Protect*, Vol. 7, 2015
46. Novosseloff, Alexandra, The Many Lives of a Peacekeeping Mission: The UN Operation in Côte d’Ivoire, International Peace Institute, June 2018
47. Pellet, A., “Legitimacy of Legislative and Executive Actions of International Institutions”, in: Rüdiger Wolfrum, Volker Roeben (eds.), *Legitimacy in International Law*, Springer, 2008
48. Schwabach, Aaron, “The Legality of the NATO Bombing Operation in the Federal Republic of Yugoslavia”, *Pace Int'l L. Rev.*, Vol. 11, 1999

49. Stein E., "International Integration and Democracy: No Love at First Sight", *Am. J. Int'l L.*, Vol. 95, 2001
50. Tomuschat, C., "Effectiveness and Legitimacy in International Law", *ZaöRV*, Vol. 77, 2017
51. Trindade, Antônio A. Cançado, *International Law for Humankind: Towards a New Jus Gentium*: The Hague Academy of International Law, Martinus Nijhoff, 2010
52. Vicuna, F. O., "Individuals and Non-State Entities before International Courts and Tribunals", *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, No. 5, 2001
53. Wirth, D. A., "Reexamining Decision-Making Processes in International Environmental Law", *Iowa Law Review*, Vol. 79, 1994
54. Wolfrum, R., "Legitimacy in International Law from a Legal Perspective: Some Introductory Considerations, in: Legitimacy in International Law", in: Rüdiger Wolfrum, Volker Röben (eds.), Springer: Berlin, 2008
55. Zhang, N., "The Principle of Non-interference and its Application in Practices of Contemporary International Law", *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, Vol. 9, 2016

Case Law

56. ICJ, Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo, Advisory Opinion, 22 July 2010
- 57.. ICJ, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy), Dissenting opinion of Judge Cançado Trindade, 3 February 2012, paras. 227-229
58. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 8 July 1996
59. ICJ, Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. India), Dissenting opinion of Judge Cançado Trindade 5 October 2016.
60. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Separate opinion of Judge Cançado Trindade, 20 April 2010